

## یک کتاب ناشناخته نثر کهن فارسی

## بحر المعانی و صفو الامانی

- ۱ -

کتابخانه نسخ خطی کابل دارای کتب گرانبهای خطی از نسخه‌های نایاب شناخته نشده و مخطوطات نفیس هنری خوشخط میناتور و مذهب و مرصع و غیره است، که یکی از مخطوطات ارزشمند کهن آن نسخه‌ای است عزیزالوجود و نایاب در ۲۶۴ ورق قطع وزیری به خط تعلیق قدیم، بر کاغذ خوقندی خاکی رنگ ضخیم، با انشاء کهن زبان دری، که تاکنون شناخته نشده، و یکی از متون مهم کهن این زبانست.

شرح خصائص ظاهری و معنوی این متن منین، مطالعه و کاوش مفصلی می‌خواهد که باید ماهها بران کارکرد. ولی آنچه با یک تصفح سرسری به نظر آمد درین مقاله گنجانیده شد، تا این کتاب عزیز، در جمله متون کهنسال زبان دری شناخته آید، و به وسیله مجله وزین بنما، به دنیای علم و ادب معرفی گردد.

## دو نسخه از جمنده از یک کتابخانه بامیان

شهرهای خراسان و ماوراءالنهر و دیگر کشورهای اسلامی در عصر پیش از هجوم مغل، کتابخانه‌های عظیمی داشتند، که برخی ازین کتابخانه‌ها و غنای علمی آن را مورخان آن دوره از قبیل یاقوت در معجمین و سمانی در انساب و سبکی در طبقات و دیگر نویسندگان کتب تاریخ و جغرافیا و رجال ذکر نموده‌اند، و یکی از بلاد مشهور عصر غزنویان و غوریان، بامیان قلب افغانستان بود، که منهاج سراج جوزجانی آن را پایتخت یک شعبه شاهان غور و آل شنسپ داند، (۱) که مدتی مرجع علما و شعرا و اهل دانش و هنر بود، و بعد از ۶۱۷ ق. ۱۲۲۰ م. پامال سم ستوران چنگیز و چنگیزیان خرابکار وحشی گشت، و اثری از آن بلاد جز ویرانه‌های هولناک و تلهای خاکی نماند. (۲)

درین شهر تاریخی که وقتی مرکز فرهنگ و آیین بودایی نیز بود، دانشی مردی به نام حاجب شری زکی بن محمد زندگی می‌کرد، که در کتابخانه او آثار نفیس علمی و ادبی وجود داشت، و او فهرست بعضی ازان کتاب‌ها را بر ورق نخستین یا واپسین نسخه‌های خطی خود می‌چسباند.

از کتب این کتابخانه بامیان دو نسخه سراغ داریم:

## اول:

چند ورق مشتمل بر ۳۵۳ بیت از مثنوی مقفود و امق و عذراء عنصری شاعر معروف

۱- طبقات ناصری ۳۸۵/۱ طبع دوم حبیبی در کابل ۱۳۴۲ ش

۲- همین کتاب: طبقه ۲۳ ج ۲ ص ۹۰ به بعد.

دربار غزنه (متوفا ۴۴۱ ق) که به خط قدیم نسخ متمایل به کوفی نوشته شده ، و این نسخه نایاب در کتابخانه همین حاجب زکی بامیانی بود ، که بر ظهر نخستین ورق آن کاغذی مستطیل که اکثر حصه نوشته شده ایات مثنوی همان صفحه را پوشانیده چسبانده اند ، و بران به خط تملیق که بن مقارن ظهور مغل حدود ۶۰۰ ق این عبارات را نوشته اند :

و حاجب (۱) شری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید البامیانی .  
تفسیر يك باره (۲) ... یکی از اول دوازده دیوان سنائی مقامه حمیدی  
... يك مجلد از سمعانی کلیله و دمنه کتاب اصول باری  
ذیل نافعه دیوان مسعود سعد دیوان نام مسعود ناسر  
سفینه ... عرماخلی؟ سفینه دیگر هر نوع حمایتی يك عدد  
دعوات چهار عدد سفینه ۱ عدد دیگر ادوات يك عدد  
کتاب نیرنجات .

این اوراق مثنوی عنصری در لف جلد کتاب المختصر من کتاب الوقف عربی (۳) ، برای محکمی و استواری وقایه ، از طرف مجلد صحاف بکار رفته و خوشبختانه در بین دفتین محفوظ مانده است ، که مالک دانشمند این مخطوطه مرحوم پروفیسور محمد شفیع لاهوری ملتفت آن گردیده ، و بعد از بر آوردن و تفکیک و خوانش آن ثابت شد ، که این اوراق مثنوی کم شده وامق و عذراء عنصریست (۴) ، که در سنه ۱۹۶۷ م عیناً با طبع عکسی و شرح و معرفی پروفیسور مرحوم از لاهور انتشار یافت

از نوشته این فهرست برمی آید که این نسخه وامق و عذراء هم به کتابخانه حاجب شری زکی بامیانی تعلق داشت ، و بعد از آن آن را بطور اوراق باطله ناکاره ، برای استواری وقایه کتاب الوقف بکار برده اند .

## دوم :

مخطوطه دیگر این کتابخانه بامیان ، همین بحرالمعانی است که درین مقاله معرفی می شود که بر ورق واپسین آن عیناً ورق چسبانده شده به همان خط فهرست سابق ، با مطالب

- ۱- شکل حرف اول این کلمه چنین است که آن را صاحب هم توان خواند و اکثر حروف این ورق نقطه ندارد . ۲- يك جزو تفسیر قدیم فارسی قرآن عظیم هم در سنه ۱۳۳۴ ش از خرابه دشت گاوکش قریب شهر غلغلہ بامیان به دست آمده که عین آن اوراق در سنه ۱۳۵۱ ش در ۵۴ صفحه از کابل بطبع عکسی نشر شده است ، که شاید از همین تفسیر باشد . ۳- نسخه خطی این کتاب در آخر چنین رقم دارد : « کتبه عبدالله بن علی بن احمد بخره من جهة الاخ العزيز النجيب الرشيد ابوبکر عتيق بن محمد بن خسرو رزقه الله العلم و الادب » که برخی این ابوبکر عتیق را همان سوراآبادی صاحب تفسیر شمرده اند ، ولی این تطبیق مشکوکست . تاریخ کتابت نسخه منتصف رمضان ۵۲۶ ق است . ( ر ک : تاریخ خط از حبیبی طبع کابل ۱۹۶ ) ۴- محمد شفیع : اورینتل کالج میگزین لاهور ، ص ۱۱۱
- ماه اگست ۱۹۳۷ م ، که مخطوطه کتاب الوقف را در سکه رسد بدست آورده بود .

شبهه ذیل بنظر می آید :

« حاجب شری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید الشاعر البامیانی بخط امضا »

کتابهای کمی خریده شد از هر نوع کمی خریده می شود ، درین جای ثبت می شود ...

دیوان سنائی	تفسیر يك جلد (۱)	مقامه حمیدی	کلیله و دمنه
بحر الوقایه (۲)	دیوان مسعود سعد	اختیارات شاه نامه	اصول فارسی
طبل ماره (۳)	ادوات	دیوان ناصر خسرو	... کتاب تازی
سفینه ...	غزلیات	کتاب حر ...	کروشاسب نامه
نسخه های نیرنجات	حمایلی يك عدد	دعوات (۴)	

در باره این حاجب زکی اطلاعاتی از منابع دیگر نداریم و جای تعجب است ، که در هر دو نسخه پیش از نام زکی بن محمد کلمه شری دیده می شود ، و این کلمه بیست از زبان سنسکریت که تاکنون هم در السنه هندی پیش از نام کسان برای تعظیم و احترام بجای آقا و جناب و مستر مستعمل است ، که مونت آن شریمتی باشد ، و بر مسکوکات کابلشاهان و دیگر سلاله های شاهی افغانستان هم در القاب و نوشته های سکه ها به زبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری قبل از اسلام و یا قرون اولیه هجری تا اوائل غزنویان ، بنظر می آید (۵) ، و ازین استعمال کلمه شری با نام مالک کتابخانه بامیان زکی بن محمد پدید می آید ، که تا حدود ۶۰۰ ق هم این کلمه برای تعظیم مقام و احترام اشخاص رواج داشت .

### نام کتاب و آغاز و مؤلف آن

این نسخه ارزشمند خوشبختانه ورق نخستین و آغاز دارد ، که از مطالعه آن مطالب مهمه بدست می آید :

بر سر ورق آن بخط اصل نسخه تعلیق قدیم ، مکرراً نام « کتاب بحر المعانی و صفو الامانی » نوشته شده ، که از انجمله پیش از آغاز بسمله ، برجبین صفحه اول همین نام را به تعلیق خوش نوشته و بعد از کلمه « الامانی » کلمات « المترجم بالفارسی » نیز دیده می شود .

این نام در متن کتاب نیامده و آغاز چنین است :

۱- در فهرست سابق هم آمده شاید مراد همان جزوه تفسیر قدیم فارسی باشد که مذکور افتاد . ۲- کذا - نقطه ندارد . ۳- کذا - نقطه ندارد . ۴- کتابی بدین نام از مخروبه شهر غلغله بامیان بدست آمده ، و در مجله آریانا طبع کابل ( سال ۸ شماره ۲ - ۳ ) معرفی گردیده و برخی اوراق آن در سال ۱۳۲۹ ش عکاسی شده است . کاتب در آخر آن چنین رقم کرده : « کتبه دولتشاه بن صفی بن محمد تولکی به تاریخ ماه ذیقعد سنه احدی عشر و ستمائه ۶۱۱ ق »

۵- کنگنم : مسکوکات هند در قرون وسطی ص ۶۴ - ۶۵ طبع دهلی ۱۹۶۷ م ، و داوید مکدوال در کابلشاهان کابل و گندها را طبع مجله گزارش سکه شناسی ص ۲۱۱ لندن

« بسم الله الرحمن الرحيم ، رب يسر ولا تعسر . الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على محمد و آله و سلم كثيراً . »

قال جعفر بن محمد الصادق : كتاب الله تعالى على اربعة اوجه : العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق . فالعبارة للعوام ، و الاشارة للخواص ، و اللطائف للاولياء ، و الحقائق للانباء . قال بعضهم : القرآن على اربعة اوجه : عبارة و اشارة و لطائف و حقائق . فالعبارة للسمع ، و اشارة للعقل ، و اللطائف للمشاهد ، و الحقائق للاستسلام . « بعد ازين تفسير عارفانه بسمه و سورة الفاتحه بمریست :

« بسم الله الرحمن الرحيم . حكى عن ابى العباس بن عطا انه قال : الباء لارواح انبياء بالهام الرسالة و النبوة ، الخ ... الحمد لله رب العالمين : المحمود بجميع صفاتك و افعالك . قال ابن عطا : الحمد لله اقر المؤمنين بوحدانيته ، و اقر الموحدین بفرادانيته ، و اقر العارفين باستحقاق ربوبيته . »

رب العالمين : قال ابن عطا ، زين نفس العارفين بنور التوفيق . و قلوب المؤمنين بالصبر و الاخلاص و قلوب المریدین بالصدق و الوفاء .

الرحمن الرحيم : قال بعضهم الرحمن بالنعمة و الرحيم بالمعصية ... الخ «  
 اين تفسير تا ورق ۳۲ ب مطابق ذوق صوفیانه عرفانی با نقل اقوال مشاهیر عرفانی اسلامی امثال جعفر الصادق ، ابوبکر وراق ، ابوجعفر الفرغانی ، بلقاسم ، ابوعثمان ، منصور بن عبدالعزیز ، ابوبکر بن طاهر ، الدارانی و غیره دوام دارد . و بعد از ختم سورة الفاتحه ، آیات متفرق قرآن عظیم را بمذاق صوفیه با نقل اقوال ایشان شرح میدهد ، و از ورق ۲۳ ب قسمت فارسی کتاب آغاز میشود که تا آخر کتاب با نقل اقوال حکما و صوفیان و شرح آن دوام دارد و در بین این حصه فارسی ، گاهی پارچه های مسلسل عربی نیز می آید . مثلاً از ورق ۶۷ تا ۷۱ اقوال صوفیه و حکما بتأزیست بدون فارسی ، و از ورق ۷۱ باز فارسیست . نام مؤلف این کتاب نایاب معلوم و مذکور نیست ، ولی بر ورق آخر آن شرحی نوشته اند ، که بخط متن کتاب شبیه نیست . این سطور بخط خوش نسخ متوسط در سنه ۶۰۱ ق ۱۲۰۴ م نوشته شده ( یا از خط آنوقت بعداً نقل گردیده ) که دارای مطالب کارآمد ، درباره شناسائی کتابست ، درین نوشته می گوید :

« الحمد لله حمد الشاکرین و صلوته علی محمد و آله الطاهرين . يقول الفقير الى رحمة الله عزوجل علی بن عبدالله بن علی بن معاد النخلمی ثم البلخی (۱) وفقه الله تعالى للعلم المرشد و العمل المرشد : قراء علی الشیخ الامام الاوحد الزاهد الورع المتقی رشید الدین جمال الاسلام فخر الائمة سيف السنه ، ناصح الخلق امام خراسان ابوالحرم محمد بن محمد الحاج الخراسانی ادام الله توفيقه و سهل الى الخیرات طریقته ، مافی هذا المجلد من الاخبار و التفسیر و کلمات المشایخ بالعربیة و صحیح محرفه و اصلح سقمه بقدر الامکان . و قراء علی صحیفة همام بن منبه (۲) قرأة بحث و اتقان و علم و اتقان . انا ارویها اجازة من الشیخ الامام

۱- این چهار کلمه در اصل نقطه ندارد .

۲- الصحیفة الصحیحة للشیخ همام بن

عماد الدین محی السنه وهو یرویها عن الشیخ امام الاجل محی السنه الحسین بن مسعود الفراء البغوی ، و اجزت له و لابنه الصغر الامر الامام محمد ابنه الله نباتاً حسناً رواية جميع مسموعاتی و مجموعاتی و مستجداتی من مشایخی من الاحادیث و الاخبار و التفاسیر و الآثار و الحکایات و الاشعار ، و انابری من التصحیف و التحریف و ذلك فی اواخر جمادی الآخرة سنه احدى و ستمائه . و الحمد لله حق حمده و صلواته علی محمد و عبده و حسبنا الله و نعم المبین .

از نوشته عالمانه فوق برمی آید ، که در اواخر جمادی الاخری سنه ۶۰۱ ق (۴۰۴ م) رشید الدین جمال الاسلام امام خراسان محمد بن محمد الحاج خراسانی ، این نسخه را بر عالم بارع دیگر علی بن عبدالله بن علی بن معاد الخلمی بلخی خوانده و به تصحیح و تهذیب آن کوشیده اند . و همچنین کتاب «صحیفه همام» را همین محمد خراسانی از آن استاد بلخی فرا گرفته و برای خود و فرزندش محمد اجازت روایت احادیث و اخبار و تفاسیر و غیره را درین سند علمی بدست آورده است .

شادروان سعید نفیسی از روی مطالعه همین نسخه موزه کابل ، نام کتاب بحر المعانی و سفو الامانی را سهواً در مؤلفات اوائل قرن مفتح هجری ثبت کرده و مؤلف آنرا علی بن عبدالله بن معاذ خلمی بخاری (۴) در حدود ۶۰۱ ق گفته است . (۱)

درینجا چند سهو روی داده :

نخست: این مرد بلخی مؤلف کتاب بحر المعانی نیست ، بلکه مدرس و استاد و اجازت دهنده قرائت و مصحح آنست .

دوم : نام خود را علی بن عبدالله بن علی بن معاد خلمی ثم بلخی نوشته نه بخاری ، و خلم تاکنون در شمال افغانستان مربوط و نزدیک ولایت بلخ است .

سوم : زبان و انشا و سبک و حتی املا و طرز نوشته این نسخه عزیز ، از اوائل قرن هفتم و حدود ۶۰۱ ق نیست ، و بدوره قدیمتر سبک زبان دری تعلق میگیرد ، و نوشته علی خلمی بلخی که در ۶۰۱ ق صورت گرفته ، با متن اصیل کتاب ربطی ندارد ، بلکه اجازت نامه قرائت و روایت این کتاب و دیگر آثار اسلامیت که به محمد خراسانی و فرزندش داده شده است .

از سند فوق پدید می آید ، که نویسنده آن علی بن عبدالله خلمی فقط بیک وسیله عماد الدین ، اجازت تدریس و روایت صحیفه همام بن منبه را از امام معروف فراء بغوی (۲)

منیه الصنعانی المتوفی ۱۳۱ ق و هی التي کتبها عن ابی هريرة الصحابی (کشف الظنون ۷۲/۲ طبع استانبول ۱۳۱۱ ق) .

۱- تاریخ نثر و نظم فارسی ۱۲۲/۱ تهران ۱۳۴۴ ش . ۲- حسین بن مسعود بن محمد ، محدث فقیه و مفسر شافعی معروف بفراء ابو محمد بغوی محی السنه مولدش بفشور غرجهستان شمال غربی افغانستان و وفاتش در مرورود حدود ۵۱۶ ق است ، از مؤلفات او مصابیح السنه دارای ۴۷۱۹ حدیث و معالم التنزیل در تفسیر قرآن و تهذیب در فروع شافیه و معجم الشیوخ و غیره است . ( ابن خلکان ۱۵۹/۱ طبقات الشافیه ۲۱۴/۴ و ۳۳۵/۵ )

داشته و عالم جیدی بود، که امام خراسان ابوالحرم محمد، اجازت قرائت این کتاب و صحیفه صحیحه را از او میگرفته است، ولی تمام این مطالب، بمتن بحر المعانی و مؤلف آن تعلق ندارد.

در کتابهای شرقی بنام بحر المعانی آثار متعددی را می‌شناسیم، که از آن جمله است: بحر المعانی یکی از اصحاب نجم الدین کبری صوفی معروف سعد الدین محمد بن مؤیدحموی (۵۹۵ - ۶۵۸ ق) که مخطوطه عربی آن در استانبولست (کوپرولو ۷۰۶) (۱) یا بحر المعانی فارسی از سید محمد مکی دهلوی (متوفی ۸۹۱ ق) (۲) و تفسیر بحر المعانی سوره ۷۸ - ۱۱۴ قرآن از محمد بن خواجگی بن عطاء الله مدعو به خاوندمیان (مخطوطه بانکی پورهند ۱۴/۱۱۵۳) (۳) که بحر المعانی و صفوالامانی خطی کابل، غیر از کتب شناخته شده، و مربوط بدوره قدیم نثر دری قبل از مغل است.

تاکنون نام مؤلف این کتاب شناخته نشده و چنانچه دیدیم، ضبط مرحوم سعیدنفیسی نیز باطلست، و آنچه مرحوم فکری هروی در فهرست مجمل کتب خطی کابل (چاپ نشده) این کتاب را «تفسیر دری از حسین بن مسعود البغوی المروودی معروف بفراء بغوی با انشاء قدیم قرن ۴» نوشته نیز صحت ندارد. زیرا امام محی السنه بغوی تفسیری به فارسی ندارد، و هم این کتاب تفسیر قرآن نیست، بلکه يك مجموعه آیات و احادیث و اقوال صوفیه و حکماء و دانشمندانست. چون بر صفحه اول آن با نام کتاب، کلمات «المترجم بالفارسی» نوشته شده، میتوان حدس زد، که اصل کتاب مانند ۲۳ ورق نخستین و برخی از اوراق دیگر آن بازاری بوده و به فارسی ترجمه شده باشد. (بقیه دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- 
- ۱- بروکلمن: تکملة تاریخ ادبیات عرب ۸۰۳/۱ . ۲- رحمن علی: تذکره  
علمای هند ۸۳ طبع لکهنو ۱۹۱۴ . ۳- ستوری: ادبیات فارسی ص ۲۹ و ۱۲۰۹  
طبع لندن ۱۹۵۳ .